

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

تک شماره پریال

شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۴

سال اول - شماره ۱۰

جواب ستاد ارتش

شماره ۹۸۴۷ و ۹۸۴۸

مورخه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۳۴

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان

پس از طرح مندرج در شماره ۵ آن روزنامه مباحث بسیار جویباری در باره آوری اسلحه های دولتی از مالکین دهات گردستان اشهر میسرود و چون وضعیت گردستان در حدود نخلخانه لشکر؟ پس از طرده مندرجه شد و رو به امنیت گذارده است لذا لشکر چهارم با تأخیر طرح مابودی طبق دستور صادره بجمع آوری سلاح اقدام و در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۳۴ اعلامی منتشر و به ساکنین شهرهای مسلح و سزای اطلاع میدهند امنیت سکنی را برقرار میسازد سلاح دولتی منتهی به راه لشکر تحویل نمایند و تاکنون هم کوچکترین اتفاقی رخ نداده و اطمینان موصوله در جریان است.

رئیس ستاد ارتش - سرلشکر ارفع

گفت باوای دولتی برای منظور دیگر اسلحه بکار برده اند
مگر ستاد ارتش بطاهر ندارد که بیک هین مردم و هین
اسلحه بود که مرحوم سرلشکر امین و سر ژبا رافع توانسته در اواسط
مخاضه گردستان شرفزده را و هین نان نادان را از سر مردم کوتاه کنند
چه حد که در آن موانع ایمن صالح بوده اسلحه حمل کنند
و در حال حاضر سلاطین ندارند

ستاد ارتش جنوبی، و لشکر چهار اعلانی منتشر و ساکنین
شهرهای مسلح و سزای اطلاع میدهند که چون امنیت سکنی را برقرار
اسلحه های دولتی منتهی به راه لشکر تحویل نمایند
چگونه چنین اعلان سیاسی قابل ول است و تکیه مردم چشمی بینند
اسلحه غیر مجاز بقادر همگت در دست افغان صالح وجود است و فرمانده
لشکر بیبای کوتاه کردن این دستهای پاید اسلحه ای را که حفاظت
مردم است جدا مطالب میکنند
چگونه ممکن است مردم بیبین اعلانی و القاسم استوار
یابند؟

امنیت در روی کاغذ غیر از امنیت واقعی است

این اعلان هینا مثل برخ های است که خرد داری مین میکنند، بیک گوید
گوشت را کیلویی چهل ریال از گوشت فروش بخریه اگر تدا
تقیب میکنم و رسا گوشت فروش مثلا از کیلویی ۵۰ ریال کمتر
نیده و دوش بفرش خرد داری بفرش نیست.

سر بیبای هوشنه افشار فرمانده لشکر گردستان و تکیه اتمال
وجود کانی سامانی را التوت میکند و حالیه اعتراض میکنند
که بشهر سمنج بیایدو بخرش هم گوش نیده چه چاره اجازه داده
چنین اعلانی منتشر کند و مردم رایج تحول اسلحه میاز دولتی بیور
نهاد و داده که زمان جنگ را سر به تهاز خویش برایش نه کردن مردم
فرار دهند.

افسوس که در این ملک همه چیز روی اصول ماسه مالی
و برده سازی بچند بازخواست و رسیدگی در بین نیست. آیا
اگر بانکهای بین مردم اسلحه های مجاز را تحول دادند و
پانزده مورد بیور ایمن و دزد فرار کردند چنان مردم بقا شد
مالشان از میان رفت. مسئول کیست؟ خون نماند کشته شد یا بایست
از چکی خوست؟ هستی از دست رفت یا بایست از بی مقامی
مطالب کرد.

در این است که باز هم گردست، جریان اداری، کتابت و
تکالیف کارها را دست مای میکنند چنان و مال مردم
پایمال میگردد.

آیا ملت بین ندارد از دولت و اولیای امور بیور سر چرا
این قضایا را بش بینی ننگیست یا اگر بر سره و تداگردا جواب
این است با طرح بیبای طبق دستور حل شده.

اگر منظور این است که مردم این منطقه از میان
بر و لیدر بگریه میخورند چقدر کینه دستور ده بدیست
باید رسید

خیلیه من از خواننده نامه ستاد
ارتش بی اهلازه متاسف شد زیرا دیدم
سرمه است نظریه ای غلط طرح جویباری

داده خود آیم بی از ۳۳ روز مطالعه
در صورتیکه مطالب دیگری که در شماره
های پیش تر کرده بودیم هیچ جویباری
داده نشده است.

ما اگر در شماره های منتهی نامه
ستاد ارتش تذکراتی داده ایم هیچگاه
مطالب را بصورت سؤال مطرح کرده ایم

و ستاد ارتش را بپوشش پاسخ دعوت
نشود ایم زیرا بیک میدانیم که اعتراضات
ما بقدری ووش و سر بیج و بیاسته است
جویباری قانع گشته اند ندانند بی آن
دیدیم بصورت تذکره یاد آوری کنیم
لذا ستاد ارتش در بر طرف لغت بودن
مطالب بگوشت و پیوسته خواسته
ایم از جنبه مکاتبه قلمی فراتر
گذاریم و از نوشته نتیجه تمامی بفرماییم.

متاسف از اینکه ستاد ارتش، در خلاف
اصطلاح و بیبای دفع مابود سنی نوده
و استکبار خانی و ابرو هاید بصورت دیگری
بفرمایند از این جهت خود را ناگزیر
میدانیم که قدری روشنتر بپوسیم تا باز

همه ای که در این ملک کین که اسلحه
مجاز دولتی در دسترس دارند تا بحال کوچک
ترین حمل برخلاف نظم و امنیت هوس
انجام داده اند که اینک از آنها خبری
استفراغ امنیت و در موانع لزوم

انتخاب کشور

شرفیای و عرض نمایل مجلس

روز چهارشنبه ۱۲ پس از اجتماع مجلس و تعیین نمایل کسب نخست وزیر آینده آقای رئیس مجلس شورای ملی به حضور اعلی حضرت شاهزادگان شریف و شرفیای مجلس میسر و راست بنحسب و زبیری آقای حکیم عرض اولا فرمایند و اعلی حضرت نمایل و مجده در اطراف لزوم پشتیبانی کمال مجلس از افروخته بیانیاتی فرمود و اهمیت موانع گوناگون را خاطر نشان ساخته

دستخط شرفیای آقای حکیمی و صدور

لازاره از طرف اعلی حضرت نمایل و افتخاری آقای حکیمی کتبخ مرمر احضار و حضور ملوکاه شرفیای حاصل نموده و اعلی حضرت نمایل یوری بر حسب نیاز مجلس تشکیل کابینه و با بیان تامل فرمودند و فرمان دستخط دستخوری ایشان از طرف اعلی حضرت نمایل و توشیح و با بیان اطلاع گردید.

حشین میلاد پادشاه عراق

روز چهارشنبه ۱۱ معارف بدین سال ولادت اعلی حضرت ملک فیصل دوم پادشاه عراق بود یقین جهت در سراسر کشور دستور و مجرا و مساعی با همکاری برپا بود و یقین نیز در وسایط پادشاهی عراق از همه اوج و جل و نایبندگان مجلس و مدیران عراق و نمایندگان سیاسی خارجی دعوت شده بود که از ساعت ۱۰ تا ۱۱ مجلس شایان حضور همسرمانند و در آن مدت آقای عیسی مهدی نیز در مختار حکم عراق بر سر اتمام مذاکرات با پارلمان عراق حاضرین پذیر می گردند.

تیراندازی و حمله با قای کسری

چند روز پیش آقای اسروری مدیر روزنامه پرچم بسبت روزی از کربلگان اداری روزنامه دروین عبور از خیابان سمرقانی سمرقانی موسوم جنوب مغربی که خود را بمحل دوشین معرفی نموده و خورقیده دم صاف و با طوطه خلاف نظری که بر مسالحه مذکورین چنانها بود کسکو و مشاخره در پیبرد و در نتیجه آقای کسروی سخت زخمی و مجروح می شود و یک گلوله با ایشان اسباب میگیرد و در نتیجه در اطراف شهر دوشین مستقر آقای کسروی بیمارستان اعزام و در تحت معالجه قرار گرفته و دو بازجویی هم انجام داده که معلوم شده زیرا از یک تنگناست و اسامه و او بدست دیگر جهت میزنند و قضیه تحت تعقیب است

ملاقات رئیس ستاد ارتش

بر اثر افتخار ستاد ارتش آقای شواجیه مهدی قلی با مولد رئیس ایل و کسری منتظاری نمایل شخص جت- از دستگیر آری شهران آموه خود را آقای سر لشکر ارم و رئیس ستاد ارتش معرفی نمودند تا برده کسب است که در ۱۳۳۱ مدت سه ماه و نیم از طرف لشکر امپان در ناحیه فریمان و نورورد بر فزاید او اردو کش شده و اورا با غیر تعداد نموده بدند

هریو از راه تهران فرار می

از اردو هر یو رئیس مجلس فرانس که سویه آلمان ها بار داشت و اختیار توسط نیروهای شوروی آزاد گردید و پسگو رفتن بودند در این بگ دوروز تهران وارد خواهند شد که از راه نقره پاریس جهت میزنند.

درباشگاه افغان

شش جبهه هفتتنین با لشکرهای با حضور اعلی حضرت نمایل و اعلی حضرت ملکه بنامت جمعیت مبارزه با بیادبیان حل و جدیات مسالین در باغکاش افغان برپا و همه زباید از رجال و افساس کوهستان در آن شب نشینی شرکت کرده بودند

انتخابات

آقای عبدالهدی جید نوای رئیس اوقاف تهران بهاولنت اداره آموزش و ستانی اوقاف تهران منصوب شده اند. آقای نوروزی نیز ارتش دارائی

رئیس اداره رادیو

آقای عیسی علی صدر ریاست اداره رادیو منصوب شده اند.

انتقال استاد ارتش

آقای سرهنک هاشمخانی فرمانده تیب کرمانشاه به ستاد ارتش منتقل به تهران وارد و مدفون گار شده اند

مبارزه با باغلارا

چون اسامه هم مانند شل گذافتند از طرف بهواری سمیه مبارزه با باغلارادر منطقه لرستان گرفته شده و حال گذشته مساعدت و همراهی مأمورین نظامی لشکر لرستان در مبارزه با باغلارای بسیار بیشتر بوده لذا از طرف ستاد ارتش دستور لرستان دستور داده شده که اسامه نیز مستحکم و مساعدت و تشریک مساعی راست با این موضوع داشته تعداد یکصد نفر سر بران و درجه دار آرزوده و همه ای افراد و افسران همی در اختیار مأمورین

از اعلی حضرت کسب در نظم و ترتیب انتشار نامه کوهستان از دستگیر کین محترم تقاضا میشود که هر وقت روزنامه شان ترسیه اطفاسارا مدینه فرمایند - زیرا مرتباً از هر شماره پلام کلیه منتظر کین روزنامه وسیله پست فرستاده میشود منتظر کین منتظرینوا

تدوین روز صحیح

تدوین روز صحیح بوسیله تقویم ۱۳۳۱ به شهاب اطلاع داده و بایه آدرس تهران نامه کوهستان مستقیم فرستند

وزارت بهواری لشکر

یک کابین هم برای این منظور اختصاص داده شود

زود خوردن در کوهستان

بفرار اطلاع کیه تا از پیش رسیده در ترکیز کرده و بخان زود خوردن واقع شده و معده رفیق فرزند نمایان چاپ تیب خورده و بعد فرزند یوشیر گشته شده

وامع با معادن خنول

از اطلاعات داخل پختن روز نامه کوهستان ترسیه بدین است پس از ارسال خواستگاران را از کوهستان این واقعه متعسر خواهد داشت

ترجمه و نگارش: آقای منصور شاهنواز

منازه دزدان

مدام کلولا بدالعین که حاکم ازیس و ایسی بود یاد کرده آمد برای چه نمایل در ترک کردیم ا جرایمین مکان برخوردش داخل شدیم و هر سون افراسی بدین مأمورین از قلب آذوردی که کرده بود نامد ریشیان شده گوش میکرد نامدار بیچاره را شرفی آرم کند و لقب براندهش را تسکین بخشه گیلاسی از ضربت پر کرده بدست آورد و گفت: مادر هر زهرگر ترس بخورد و نه هیچ قلب نوی دادید و این گیلاسی و باطل مسافرت خوشی و خرابی چه تدمستی و سلامت خود نشود. همین امروز مادر اولی حایب سربران دولتی به منافی سلامت رسید، شما میخوانید که مسافرت سپری میماند بخواید، شایون ملکه حرکت خواهد کرد و مادر بگریه و افسانین، مانند توستام فردان و داهزان کلایر نایت خواهیم کرد و آهارا آزاد خواهیم برد.

الماء بعد و پدرش که بیگوم اسپاره بند. هر بابیاشم از این شاه خرابتر است دیگر ممکن نیست بتوان این براهی کتیب را استقامت نمود.

خام کلولا بد چون پرسش از اطان خارج شد زرب کتیب عییب بیاید، او همیشه انتظار دست او بیچین جرم وصل خود کردنی کند. چرامن بیاید قدرت داشته باشم که در برابر او اظهار جود می کنم. اگر توستام بجالی برسم و از این شهر بیچاره دهاشوم دیگر هیچکس نفوادم توستام مرا از آجا محرم بدهد. چرامن باید اینقدر صیقل می آید باشم که باین مسافرت چون آرمین نردمهم

فصل سوم

سرنشاهی تلخ

هراس پس از اینکه ازمولاجت پیدا شد مستحباً بطرف درشکه جی رفت و او را در بابیکه با حسن و ولیم تمام متفقن خوردن یک بشقاب ماکارونی بود مشاهده کرده بپرسید ازیکه درشکه چین منجه او شده باشد گفت: از کومور اسبها را بنشیند همین امروز همراهی باستانی برسیم. درشکه چین که سرگرم خوردن غذا بود یکسری به چشمه را بانجیب بلنه نرده هر اسب را با ناله گرفته در مقابل خود بندید.

هراس برای باز دوم فرمان خود را تکرار کرد. و از کومور با صدای ملایم جواب دادگان کسب محنت آقا فراموش نمودند که در کسری بیگمردم است. لابد نباید که راه ستایش چند فرودار و خطر ناک است تا چه رسد پانک بخواید شب از آجا عبور کنیم. مادم هاشماکت بسازم خانه هسته، علاوه اسب های من هم بیچاره قادر بر راه رفتن نیستند. اصلا چراغ زشت را همین جا نماند!

در این لحظه صاحب مهسالغانه داخل اتاق شده در حالی که سر بر گرفته بود و در برابر مردم و حق بجانب نشان بدهد گفت: آقا مگر من با شما که مایان ناخوشی برای خویشان هما بسبب ما که متعزراب و میز و عنه نوع لوازم دیگر را در اختیار شما گذاشته ایم.

اما مذاقه این مرد که هر اسب با یک بسیار مطمئن بود و تنها او را از تعصیب خود بر نگردانید بلکه وی را در این قصد واضح تر و پایدار تر نمود.

فلم آتای هوشت سهراب

مبارزه با بیادگران

دانشندان و علمای زیست شناس متفقا عقیده دارند که عوامل طبیعت چون باد و باران و نور آفتاب و حرارت و پروت و کوه و دشت و غیره که همگی محیط موطنه زندگی را تشکیل می دهند در تربیت و تسلیم افراد و اجتماع تاثیر شگرفی را داشته و مردمان هر کشوری تحت تاثیر کلی این فاعده قرار گرفته اند. مثلا گروه سناهای سبز و خرم سوس مردمان باذوق و باطافنه و راستگو بار آورده دشتیای بر او گل و ششتر و نرگس فرانسه احساسات و زیبایی و انگار و وانده های پلنه و منزهای بزرگ خلق کرده و صحرای موزان و لم بزوغ افریقا بیکشت انسان لغت و عود و سیاه و قس الفلف آفریده و گرانه های دریا بکنده صیاد و ماهبگیر برورش داده - باستاند این اصل مسلم ناگزیریم بگوئیم ایران مهد داریوش و مینن عزیز ما که از نامش و نگارهای طبیعت بهره مند است چگرنه از این قانون لاینسیر آفرینش سر بر نافته و اکثریت ساکنینش به غوهای ناپسته و تپیلی و گلهای گردیده اند در اینصورت باید گفت نظریه دانش بزوان که کتب موارد صدق نیسند - نخستین آهنگ و فریاد آزادی هست پس از واقعه شرم آور شهریور ۱۳۲۰ بگوش ملتیکه سالها در زیر کابوس وحشت و هراس بسر میبرد رسید بلانامه عاقان و تشنگان آزادی زنجیر استبداد را پاره کرده در یک فضای ببال و مکنان بی قیدی نسفهای عیبی کشیده به تشکیل احزاب و تشکلاتن روزانه و تاسیس انجمنها و کانونها و دسته ها متحول گردیده و ه. ه. یک برای حزب و گروه و روزنامه شود نام و لقب و نشانی برگزیده شد.

بگواهی تاریخ چند هزار ساله ملت نجیب ایران از دوره های عظمت شاهنشاهان مغانستان تا امروزه که دوران آزادی و دموکراسی نامیده میشود از خود هیچوجه اراده و اختیار نداشته خوانده تحت فرمان فرسار و اربابان و سحران خوش و ظالم سر بر آورده و اگر کم چند نفر آزادمش بر علیه مردم دیکتاتور آنها تپام نموده باشد قورا نهشت و جنبش آنان بسکوت محض مبدل شده و دهرمان آن بجهان ابدی شافته اند.

ایرانیان آذغازنده کی نام مردم خود را برای اطاعت با امر بوفی چون و چرا مویا ساخته اند - مکرار و فرمان وهر مشق را خواه مفیدخواه زبان آورد تحیل نموده بقدری در انبازه افراط نموده اند که نزد هلا و ذره بینان بجهنم ترس نمیرشده است.

فاعده هویتی و کلی است کارفرما وقتی توانست از این خود را

ببردم تحویل کرده و عکس العملی را زمینه مسلما از این عمل خود خرمشده - کبر و خودستانی دانش را گرفته سر اجرام گدازد و ناراضی بنسنگری تبدیل میشود برای جلوگیری از نظر استبدادی کردار روحیه بزرگ مردانه - محور و از خود گذشته کی - فرهنگ ودانایی اینروز ولاتلاست که با دارا بودن این معاد زیر بار هر ناملایبانی رفته و مشت پولادین را بنزد دیوانگان بیدادگر کوبیده است و اجتماع از بقده اسارت و بردگی و خواری و ذلت خلاص نگونگار شوند - بشر از ذلت اسارت و بختون بی توائی نشت استدر این صورت باید کوشش کرد قوی و زورورنه شده و در عین قدرت و توانائی تن و روان وانه بیه و برای مردم داری و نوغیرستی آماده و مویا ساخت - بدخفته در سزمین گل و پابل سیدی و حافظ نه تنها بسایکلمسکن و لازم از پرورش این آرزو با تمام نیرو جانگیری میشود بلکه افراد ملت نیز از خودمان تپایی - در آموزش مادر- روی نیکت دیستان و دبیرستانها در سرباز خانها و سایر ادارات دیگر بکلاس درس ناتوانی و سکوت و اطاعت اجباری را فرا گرفته تا باین روز تیره و شوم گرفتار میشوند - در دم نچند اند گذشته در آن هنگامیکه قدرت و اقتدار و عظمت و شوکت و زور سربز سنسکران بستپا درجه رشد خود وسیله بود

«معدن تأثر»

در این هفته اعلامیه جایی مصلی تحت عنوان «بهداشت در گوردستان کردستان» از سنجیح بدتر روزنامه رسید که با نام آتای ناصر توانا نگارش یافته و در سنجیح نشر شده بود.

شرح مفصل جریان بیضاری یکی از جوانان روشن فکر سنجیح و طرز معالجه بیضاری او را بطور تفصیل نگاشته و وضع تأثر آور بهداشت سنجیح را بیان نموده بود.

آری نه تنها بهداشت «شهر سنجیح» تمام کردستان وضع رفت آوری دارد بلکه با هر اداره یا هر بنه که شخص مروجان داشته باشد میداند که همه خراب است همه اسباب ناراضیات و زحمت مردم است.

این اوضاع جای گله نیست جای نتراست از کی گله میکند از کی گله باید کرد؟

باز باید بر گردیم به اندکراتی که در چند شماره قبل دادیم تا دوقبیک خود بفکر خود نباشیم و تا دوقبیک حقیقتا با جدیت مشغول کار و اصلاح نشویم و تا موفقیکه بکلیت مشکلات را در نظر گرفته از پیشیای بر نه از پیشیای یاد و اسفانه شکایت و گله نتیجه ای ندارد.

چرا شهر سنجیح با دارا بودن اشخاص متفاد و سرمایه دار نباید دارای یک بیاضوستان ملی باشد چرا نباید از فقر و بی توائی دستگیری خود چرباناید بفکر وضع شهر و خرابیها و آفات آن بودمگر این مردم در این شهر زندگی نمی کنند؟

سنا و قبتیکه بود با بن اواض و اکتوبر چرا در صد راج آن نیستید چرا جنبش اصلاح طلبانه ای در شما دیده نمی شود؟ چرا باید وقت خود را روزانه به گردش در آن خیابان کثیف بر کرد و غبار و پالنج زار گذرانید، باید با جلوه ای مغازه بگفت و شاد در اطراف مطالب بی سر و ته بپردازید.

از این تلذ کردن وقت از این بی اعتنائی بقدرت خود و مردم چه نتیجه میگیرید؟

نتیجه این است که روز بروز اوضاع شما بدتر خواهد شد آنها تپیکه بیچیز نه بر سر برک خوانده و آنها تپیکه هستی و تمول دار نه چنان ذیربای مامورین طماع روزگار خواهند گذرانید که مردمان بی توائی را در سمر تبه برانگی سربا زحمت خود ترجیح خواهند داد.

اقتاد بین مایب و تفکر و فریاد و تپام شما خوب و لازم است ولی نباید به نوشتن و گداین تنها گفتار کرد این مردمان غفنه را بیدار کنید حسن انسان دوستی و ادبمیت را در آنها تحریک کنید تا بخود آینه جدیت های غیره درست کنند شرکت ها ایجاد نمایند هم خود استفاده نموده هم ادبای مردم بیچاره را از ناراضی آن زندگی که او را برای ساکنین سنجیح تشک است برهاند.

باینلایات قضائیی بکنمه اراذل نام طبقات کشور از هم ترسان و لرزان و هیچکس امید بادامه زندگی چند روزه خود نداشته ملت بیچاره وسیه بخت بیدار تسلیم نشا و قدر گیری بوده. تصور میمان این بیدادگری و ناکاری فقط بنده اجتماع و نخبوری است که بنام ملت نامیده میشود به اشتباه بزرگی غالب از این که در ادارات کشوری و لشکری همینروزه ناپسته و زحمت صد درصد شد بر افسرا شده و زبردستان و مروجین در مقابل روسا و فرماندهان (غدایان) قادر بنکلم بوده و انواع و اقسام قباچ و منتقت را بر خود هواری میکنند زیرا میدانند که چرباشی دادگستری و دیوان مددات کرده و خداهشتای فقط برای خرد نمودن پیکر نانوران و ضلنا و زبر دستان وجود آمده است. هم بی توائان از جنبه بدانته عموم ایرانیان بسهم و نوبه خود از دست این برگان گورسته بنا و جلادان خود بخوار که هنوز هم روی این سفره رنگین و الوان نشسته و هم را از اعمال خودشان بیزار و هراسان کرده اند تفاوت و عداوت دیده و چشمه و بریش همگی خندیده اند حال که بیضاری شما کور آید. در افاق تاریک و معروف ایران درخشیدن گرفته و مردان برجسته و روشن فکر برای رهائی ایران عزیز از چنگ بیداران بیدادگر نه عالم کرده اند بر بزرگان و دانشمندان کشور لازم است که حتی القصور بکشوند راه و رسم دادگری و مساوات و برابری و حریت را با همه ایرانیان و خصوصا کارمندان دولت تلقین نموده و انبیهه و فساد و زحمتی و مویا باری و مویا باری بکشند و وزد و تپهکار است ریشه کی سازند.

خصایص دیگر گودک شهر خوار

علاوه بر آشنائی طرز سوره پدیا که در گذار پیش درج بان محبت اودیم - مادوان و برستانان باستانی نکات دیگری را از خصایص مهم گودک شهر خوار فرا گرفته و آنها را هواره در نظر داشته باشند تا آنکه بدانند فرزندخان مطابق معمول شده و نامی متمایز با غیر - اینست امروز در خصوص نامت - وزن - فونتانل انداز و مدفوع - و خواب گودک مختصری بحث نمایند .

۱- نامت - هنگامیکه نوزاد دنیا می آید طول فاقامت او ابتدا ۶ پنجاه ساعت است - در بسکالک نامش به ۷ ساعت و در آخر دو سال به ۸۰ - ساعتین می شود وید .

۲- وزن - اهمیت وزن کردن گودکان شهر خوار هنوز در ایران مورد توجه نیست در صورتیکه برای حسن تغذیه طفل برای حفظ و مرطوبت مزاج او برای او کوبی از عوارض گوناگون لازم و واجب است که لااقل ماهی یکبار وزن چه در معمول و کوه و پادداش نمایند تا با طرز نشو و نمای گودک با غیر شوند .

فلا در این مورد شرح و بسط او را از مخته کرد و در مخته و در هر ماهه و در وقت نیست . همیشه باید دانست که وزن طفل سالم هنگام تولد بطور متوسط ۳ کیلوگرم می باشد - دره ماهگی این وزن به ۶ کیلوگرم میرسد .

در یکسالگی ۹ کیلوگرم و در دو سالگی ۱۲ کیلوگرم خواهد بود - از مقایسه این اعداد معلوم میشود که در ماههای اول زندگی افزایش وزن خیلی سریع تر و شدیدتر از ماههای بعد می باشد چنانکه در آخر سال اول ۶ کیلوگرم بر وزن طفل اضافه میشود در صورتیکه در سال دوم فقط ۳ کیلوگرم افزایش می یابد .

۳- فونتانل - وقتیکه بالای پیشانی یک طفل نوزاد را بسا نودت کرد باید می بیند که یک نفرون رنگی مخصوصی در آن قرار دارد که هنوز استخوانهای سر آن را پوشانیده اند این نفرون رنگی اودی شکل و آه که از غشاء مخفی منور شده است فونتانل میگویند که پدیدار شدن آن کوچک و کوچکتر شده و در سن دو سالگی معمولاً پکلی بسته میشود .

اهمیت فونتانل از این لحاظ است که از روی درجه نفرون رنگی آن میتوان تا اندازهی بیگونی مزاج گودک بی برد چنانکه وقت .

اگر طفل را فر شود با شیر کافی نداشته باشد و یاد پاسا و اسهال و استفراغ شود فونتانل گودک شده و قسمت سطح سایر قسمتهای سر عرق تر بنظر می آید و همینکه حال طفل بهبودی یابد فونتانل نیز بر جسته شده و بحال اول خود متمایز می آید ... از این لحاظ است که فونتانل را در آزادی فراهم نیز لقب دادند تا از غم غمایت دیگر فونتانل اینست که در عارضه و وضع نیم خیلی دیرتر از دو سالگی بسته میشود .

۴- براز (مدفوع گودک) - تا سه روز بعد از تولد مدفوع نوزاد از ماده سبزه رنگ چینی که تشکیل شده است که آرا میگویند میگویند میگویند که رنگ آن پتروج زرد میشود - نوزادانی که شیر مادر میخورند دارای برازی زردطلایی رنگ بود و آب هالی که با شیر گاو تهیه میشوند برازشان تیره رنگ و آج است .

معمولاً در ماه اول شکم گودک دوالی شش برته اجابت مینماید - از دوالی ۶ ماهگی تا ۲ هفته و از ۶ تا ۱۲ ماهگی یکدالی در مرتبه .

مادران بایستی مراقب و مواظب باشند که چنانچه براز گودک زیاد شده و بصورت مایع رقیق در آید یا آنکه رنگ آن غنا کثیری بسبب ممانعت اسهال کوبیده شود و یا اگر اسهال و خون یا آنهای سفید رنگ مثل دانه های برنج در آن مشاهده نمایند بلافاصله با پزشک راجوع کرده و مشاهدات خود را باقی بماند برای او شرح دهد .

۵- ادرار (پیشاب) گودک شهر خوار قنداقه خود را زود زود مرطوب نمایند هر چند پیشاب گودک کم رنگ و کم و است ولی اگر مدتی بیاند بوی آمونیاک میدهد و بویست بدن گودک را تحریک میکند بنا بر این در عرض کردن شغها و کپه های طفل ناخبر نباید بود .

۶- خواب - چنانکه سابقاً گفتیم سرو کار گودک نوزاد قطع با خواب و خوراک است بطوریکه از ۲۴ ساعت تا ۲۶ ساعت آن منحصر صرف خواب میشود در سه ماهگی ۱۹ ساعت و در شش ماهگی ۱۶ ساعت بطور متوسط بخوابد . طبیی است که بعد از خواب روزانه گودک به تدریج کشته شده و در اوان یکسالگی بیش از دو ساعت تمام روز بخواب خواهد رفت .

((نغمه استقلال))

در هفته گذشته در دوسه روزنامه مرکز شرس از روزنامه کیوان چاپ رضاییه اقتباس و درج شد بود و بازم سینه استقامت کرد و با پیش کشیده بودند .

بعضی مسائل حیاتی و مهم است که لازم است موقتیکه مورد بحث قرار بگیرد مانند یک مسئله عادی و یک مطلب پیش یا فاده تلقی نشود بلکه در این قسم موارد لازم است علاقمندان توجه بیشتر داشته و ملاحظاتی هم که میفرماید در اطراف آن به بحث پردازند باذقت کامل آ چه میخوانند بویست توجه نهند .

پنداشته چون این رعایت نباشد در اغلب موارد نوشته می آید زیرا می آید و با مالکس مشکلاتی فراهم میکند .

شما از مسئولان استقلال که در محبت میکنند کلمه را با استقلال اقتضا میکنند بدون اینکه اگر کتبهای افلا بر سریده کلمه یعنی چه و با آنچه را می نویسید عقیدت دارد و با صرف تئیدی نامت آنکه عدهای را مورد ملات قرار دادند تعرض هائی می کنند و با عباراتی در ذمات عالی پندیده می آورند .

واقعا اگر میفرمایند آ چه می نویسید از داشته باشد اول در صد کتف حقایق بایدید آنکه اگر چنین بود و در اینتیه می کنید بدانید این عقیدت از کما و لایحه ناشی شده سپس اگر آرا و واقعا بحال مملکت معض میباید راه ملاح را پیش کنید اگر ایستادگی عمل کردید بدو بر استاتیه و برقی منرب شوامد و بلا اد اگر غیر از این بود نگارنی است که برای او را نی چندی میشود و اگر کسی هم خوانند لااقل مشاهده فراموش میکنند زحمتی بیوده کشیده آید و نتیجی ای هم نگرفته آید .

دزد خورش صلیقه

در خیابان پهلوی چند قدمی کلاشری دوش قبل فقه صندوق مراعات نامه کوهستان را دزدیده اند این دزدی از چند قطعه نظر شبان قند است .

۱- در چند قدمی کلاشری در یکی از خیابانهای مهم شهر تهران دزدی بسبب انجام پذیر است .

۲- با وجود اینکه خود صندوق فروش این را نداشته که دزد بحد زحمت داده میهای محکم آرا بکنند و صندوق را برآید چه چیز او را بیان کرد داشته ؟

۳- در صورتیکه پهلوی این صندوق و صندوق دیگری که برابر بهتر بود نصب شده و بودنش آسان تر بود دزد حال اندیش چرا صندوق نامه کوهستان را برای دزدیده ان انتخاب کرده بود ؟

۴- حدس زده میشود که منظور دزد محتوبات صندوق و نامه های دورن آن بوده ولی آلائی که مانند این چه نامه های دورت اذ نوع در صندوق بود میتوانیم بگوییم چه شخصی مورد سوء ظن است .

بهر حال ما لازم میباید توجه شورمان را باین موضوع جلب نموده و تدبیر کنیم که در زمین صندوق مراعات نامه مارا ساده نماندند . مهم برای اینکه از اجتنابی برای صندوق دزد مجددا فراموش نشود از نصب صندوق دیگری خودداری میکنیم .

آگهی

به روشن فکران کشور ایران مؤدبه یاد از تبلیغات آفادی آیه آله کردستانی سرتیره از چاپ درآمدند در کتابخانه تهران اول از لازار و کتابخانه دانشدر خیابان ناصر خسروست انتشارت خریداران گذاشته شده طابرین به آتیا مراجعه فرمایند . تبلیغات دیگر اینها هر قریب از طبع خارج دزدیده دانتهویان و طرفداران عظمت دانات و سیاست ایران را به آله آنها روشن خواهد شد .

گردوگردستان



پیش از هفتاد سال علم‌النساب بر اطلاعاتی که از افراد و اولاد کرد پرس عمرو مزینیا به نوشته‌اند که پادشاه یمن بوده‌است پس عمر حاضر امام‌شاه که پیام پسر نوح عنتی میشود .

با بر این افراد عرب سامیت نوشته‌اند . و شعر ذیل شعر باین روایت است :

لشکر مالایا کرد ایامه فارس
و تاریخ‌نویسان نیز هم صفحه ۳۴ مذکور است که عهدش بن عمر گفته که

عربی از اعراب فارس اخذ کرده بود و این (ابراهیم خلیف) نوده، باو گفته مگر

پارس هر ب داد و گفت باو که افراد اعراب فارس هشتاد و این روایت با روایت

سابق مخالف است . زیرا هر مزینیا خیلی موخرتر از حضرت خلیل است . این

عبدالبر هم در کتاب «فصل‌الامام‌فی‌النساب» لرب و الموم و فیروز آذی در کتاب

فاموس و ذهاب‌العین سید محمود آلوسی بنیادی در تفسیر «روح‌الامانی» در ذیل

آیه «سنه‌وه الی قوم اولی اسی عده» . و تاض این سخنان در ترجمه «مهاجر»

بن ابی طرفه و مویزی بنیادی در کتاب «سینک‌الذبح فی معرفه‌نابیل‌العرب»

و مسعودی در «مروج‌الذبح» در تفسیر «سبیل‌الجرم» دچار همین اشتباه شده‌اند که

کرد را از نسل عمر مزینیا نوشته‌اند . و طرفه‌ایران این روایت اصاح اوس و شرح

را نیز از افراد میداند چه آنها هم اولاد عمر مزینیا هستند .

چشم دیگر هم اگرچه کرد را پسر عمر مزینیا نوشته‌اند اما عمر مزینیا

را از نسل اسمعیل پسر ابراهیم خلیل مرفوم داشته‌اند .

چشم دیگر هم نوشته‌اند که کرد پسر ایران پسر آذور پسر سام پسر نوح

است «سینک‌الذبح» صفحه ۹۱ در صورتیکه تورات تمام رفته‌های اولاد سام را

خط کرده و مطلقاً ذری از کرد و ایران در اسامی اولاد آذور نیست بلکه اصلا

کرد و ایران در تورات وجود ندارند . در همه جا جای کرد و مادام و بیسی

ایران «پارس» مذکور است . زیرا در آن ایام ایران که حیاتی از کرد و پارس

بالمغز تشکیل شده بود .

پس از کورش کبیر کلمه ایران مستردا مورد استعمال یافت چنانکه بعدا

ذکر خواهیم کرد .

روایات مذکور علاوه بر این که باهم متخالف اند با مدارک و آثار تاریخی

هم وفق ندارد . بجلاوه شکل و قیافه و اسلح و آداب و آیین زبان و سایر علامت

طبیعی هم که معرف هر نسل و نژاد هستند کواهر میدهند که کرده کرد هیچ‌وجه

مناسبتی با نسل عرب ندارند . بلکه آری خامی‌ها و دور بین طرایف آری هم از

هر نژاد پارس نزدیکتر اند . مانند اینکه هر دو شاخه یکدیگر در شبهه یک نژاد

هستند از جمله کرد و فارس هر دو نان گوشت سره پاد سیره شدنیتر ، خنجر ، قه ،

آسان ، باران ، سرما و گرمی و ایات آنها را بدون اختلاف تلفظ میکنند که عرب

مصطفی بگلی کردی

کردی - «آری مصطفی کردی مصدودیک آری بایریم احمد»
به قول غری (احمد) چه پندار مصدود مصطفی است) که هفاری
سلیمان له دایه بوه له نارین ۱۶۶۷ هجری هاتونه دباله مالی
۱۶۶۷ له سلیمانبا همری غوغه بهج هیناوه .

کردی - له ابراهیم زوربوه وه سه دا زور شمیری جوانی
وتوه مصدورهاله نارینا لگن قانایه نوله یان بیکنهوه بوه

کردی - چه کانه «شاری کوزی» فارسی کوزی . هربیش
وتوله لگ شای به نارینا (مالی) داه اوژده مان وه نارینا کوردی

زور موثر وکی غوغه ، بوژوتن نامه خوشه و ستن کوهستان غرلی
خواربوه که له آثاری اموه پوهینه ابرین

چما ووه لم چزه قبریانی سرت بهیم
بونیری قضاا چاری مسودان سویرت بهم

شادن له ناهما و نظرت محرم و اقباد
مروت یبه تنها همر امن در بدوت بهم

راشیم بدتم هر وگو خاگی بری پیشی
شاید که له ری مغزسه دا وهنگرت بهم

نوبه و دوروشی شوته و شاعار کوز فرشه
دایم که له پیش اسپه که ناوک غرت بهم

وک تالی شریف له هتتهی غسی دوریت
شایسته ام ایستاکه که حلقه ی کسرت بهم

بو قتل منی شسته مژت هر وه کونیره
ای من بقدا نیوه نگلی بر خظرت بهم

اولطفه ادگ شفا یله کردی) غری
قرانی لقب کرتنی گوشه نظرت بهم

ابتیست را آتانی مردوخ نگاشته و ارسال داشته

و زبان و اسلح و سایر شایه ملی خود را از تطاول ملل معاصر و
دول معاصر خود کلاه و آذوقه و عیال حفظ کرده‌اند بلکه غالب اوقات
هم با کمال رشادت حالات معاصرین را در گردنه‌اند و آنها را عقب
شاندند . چنانکه قبلا هم گفتیم در مورد قرن ۳۷ پیش از میلاد
مسح اکراد «گوتی» با پارسیان پسر سارگون اول . پادشاه کده
چنگینده و او را شکست دادند و متجاوز از دو قرن کردها بر گنده
سلطنت کردند .

سپس در اواسط قرن «هفدهم» پیش از میلاد هم (۱۸۰۰)
کردها ساچمستان حامورای پادشاه بابل چنگینده و باز بار دیگر
پر دولت کلمه سلطنت شدند و کردها پادشاهی امالی آنها را بنه
که در نتیجه این امر چاه آذوقه از زمینات ایشان «ملل قشربه»
فرجه محرم فروری سنه ۱۶۱۵

همچنان در قرن نهم و هشتم پیش از میلاد نیز پادشاهان آذور
مکرر حمله بکنود اکراد آوردند و شکست خوردند و در سال
۷۴۴ پیش از میلاد نیز جنگ سختی در بین آذوری‌ها و کردها در کی
هد و طرفین با بداند نقات زیاد عقب نشسته و هیچ‌کدام نتیجه
نگرفتند تا بالاخره در اواخر قرن هفتم پیش از میلاد ۶۰۶ کرد -
های اروپا «رضایه کوزی» که آن‌ها را ماد کوچک می‌گفتند با
کردهای ماد یک یزدک بین لرستان و هرات میم هندست شده باشند
سکبران بابل در جنگ علیه یونانده را که با پیشت آذور بود
همچر کردند و اساس سلطنت آذور را بکلی زیر و زبر ساختند
آن درات قوی پنجه و برای ایند سرسگون سوده و غلغلین آن در
ضاره علی آنچه ذکر خواهیم شد

۱ - اینکه کرد آری خالی است و پارس هر دو هم زبان و هم زاد و مودند
هم آینه‌اند . و بیپروچه نامی بیغیر با سایر همد آری و ملل سامی نژادند
۲ - این که کردها از نژاد مزینیا هم پسر اولاد سامی دره‌ین اما کن
وساکن کوزی خود ساکن بوده‌اند و در طول این مدت شادای هم حیات و حیثیات

اخبار خارجه

مقار که جنگ در اروپا

روز جمعه ۱۴ اردیبهشت ساعت هفت و چهل دقیقه بعد از ظهر در دیالوگ آن نری پدیرک که بهائینی دریا ملاد دوتیز با رمانه ای کی بی روی آلمان مقرب شده با تانک و تریس کل منادوا گتر وارد اولی وج در نرناو کاسل مارشال موتوری - مؤثر بر ماریه نزارودان مقار که جنگ را اضاء نمودند.

بهر بیان قرارداد پراژه ۵۰ الودشت ماه ۵ و روزیکرمیج شنبه ۱۵ اردیبهشت آلبه نواي جنگ و آلمان متوقف در شمال اروپ آلمان - دانمارک و هاله و جزایر - واصل دو کشور اخیر بدون نیو شرط اسامه را بر زمین گذاشتند.

همه آنچه بوجب آن قرارداد اسامه بر زمین گذاشته اندر محدود بکسیادیون شر میباشند. از روز شنبه هاله گفته با بیطرف در حدود ۱۰ مایون بریزان و انسدود در ایتالیا و جنوب اتریشام نواي مارشال آلمان و در حدود ۵ یا ده هزار فارو روزیکه تسلیم نواي انگلیس شده اند.

انجمن سافرانسیکو

رئیس هیئت تسلیه انگلی ایران در جلسه سوم مجمع عمومی سافرانسیکو نطقی بر زبان برآورد کرده و اعلامیه تبران و خدمات ایران در جنگ و افتخارات کشور ایران اشاره نموده با نطقی مؤتمر درشن نطق از حسن نظر هلی سگ کوروسو رانته نطق رئیس هیئت تسلیه انگلی ایران تأثیر بسیار خوبی بخشیده و جزایر و خارجه آمریکا قرضی شبانهنگی ایران نوشته واضح باریاد نطق شاهباش گفته است.

تقاضای رسیدگی

از تیره نامه متعالی بامضای فریدونی رسیده از شیوع بیماری و تلفات و از وضع وقت باو در نایا شکایت نموده در نامه مزبور نویسنده آقای برماندار را مخاطب قرار داده تا نشان نموده است انلا باین ناحیه سرگتی نموده حال زار مردم را ببیند و اقدامی را که می تواند مقبول دارد.

ما متعقد داریم که وضع و طایعا چه از حیث زندگی و چه از حیث بهداشت بسیار غراب و حایقه قابل ترحم است و اطمینان داریم که مردم وین دولتی مخصوصا فرمانداران و غیره بجهت ممکن است تا حدی وضع آنان بهتر شود. انتظار داریم آقای فرماندار پس از بازدید اوضاع از نزدیک بکسک مایلین و بجانب توجه دولت اقدامی کنند که انلا این مردم زحمتگر هم از کمترین وسیله ادامه حیات بهره مند گردند.

شکایت علمای قماش

اداره دارائی سز چندی قبل چند نفر از نمایان سابق قماش را برای اعزام جزئی فرودنی استخدام نموده و در اسلایح محالی قید کرده که حقوق آنها از مهلی شش ماهی برداشت خواهد شد با وجود اینکه سود نامبرده موجود و معجز است پس از چهار ماهه که بدل فروش شتانه بانه این اخصای از خدمت منصف شدو و احتوا نشان را هم تا بحال برداشته اند بدیهی است آقای رئیس دارائی بایه متوجه باشند که حقوق شتاه اخصای نباید از میان برود

از سندج

بقام آقای عبدالکریم صادق وزیر

سلام و درود فراوان بر نامه و نگارنده کوهستان



میرزاد دستی که مرشکسان را درای دل و مرهم جان فرستد نه تنها میرزاد بلکه وانا و تیرومنه با دستی که ظلم و باینده و استوار بماند پاینده قدم را محکم برای ذوی دود و مرهم جراحات ملت نجیب ایران و ترقی و شمالی این کشور معظم باستان بردارد.

نامه کوهستان : اگر مقام بزرگ و صنعتا کوچک که تو اجازه میداد بشیوه شیوای بابلی که بر روی نازنین گل لچه چه زنده مطابق شوق مرشای که در دل محبت دارم بابل آسپرو می توانی برای من گزینیا مدام نشه مرانی منبدم. این نامه در خشان وقتی که نویز در وقت گوی تو دیده و اخیره میکند حاضر بروا و ار جان بیانهار را ثارت نماید اما فروزنده ۵ - روزنه بروا نمودوا تیشکی بلکه از تو در دانش هم روان تازه میبخش.

ای نامه «بوجب که با خامه مرغوب از راه ایران دوستی درس دوستی را میدهی و چشم امید همه را بخود دوخته مشکایک روزنامه قروش نامی ترا بر زبان میاورد ندای او را چون نواي دوری بگوش ممانند عاشق معوش دوستی ترا در آغوش میگیرم این احساسات ای لایشر و طلاق منوط با هتکست سخگونی و روش پاک تست که به بوجه آلوده گرد فواری نشی امبوارم دو آتیه نیز باین محبوب تر باشی که هست ولی در انتخاب کوهستان چنان مبیندارم که نظرتان بر کردستان بوده و چون کردستان بطریق ایرانیان زمان ساسانیان نشانه و بطور کلی منصفانه داخل ایران کنونی نیست ناچار دست بپامان هم قافیه و مشکلی بوضع طبیعی آن شده با تصور فرموده باشد روزنامه بنام کردستان شاید در نظر باره اشخاص جاهو گروانغ نکرده. در هر صورت میتوان عرض نمود که سخن نموده اند لیکن باید سخنانی در

روشن و اشتباهات را که بیان ایرهای تیره و تار آسمان سیاهی ایران را تار و کوب و روزگاری در افتخار ایرانیان را سیاه نموده روی اصول صحیح با لیه نصیح بر طرف ساخت اگر باره افراد با مقامات چنان فرض کنند که اگر ادای ایرانی خارج از استقلال ایران سودائی در سرداران و افتخار آفرینان بزرگی هستند بر ایرانی گروه که با بیروی آهتین راستی و شمار منفس و طبعی برستی نام کرد در سرزمین پاکان خود از آزاد و خون پاک ایرانی باقی مانده اند بجز عظمت ایران و اصلاحاتی که مستلزم رفاه و آسایش مردمان این کشور باستان باشد آرزوی ما در این امر می باشد این قضایای شهر بود ۱۳۲۰ که گویا امام مبین آن را منک نامیده روزنامه خوانندم بیانات شاد و روان فرغی را در موضوع حزب شاه درج کرده که فرموده بود : «سبب در اطراف حزب شاه از ناحیه دوستان نادان و در کمال کورته نظری است که شاه ملت را با چنین نامی شاه یک حزب با دسته خوانندم بیان آوردن استقلال کرد شاه را لیدر حزب قرارداد است و مسلما هیچ کرد ذبحی بچنین حکومت و استقلال راضی نیست خاک ایران را که با هزاران خون جگر خوردن ننگهداری شده از دست بدهد و کردستان را دستاویز آزاده با اینکه بشهادت تاریخ در تمام مراحل و ادوار منتظف علامه و پایداری ایرانیان کرد کتر از ایرانیان پارس باریان عزیز بود دوستی

نیبندم این اشتباهات فلسانی از روی چیست عموم کسایکه از لحاظ نادانی با یلیدی آن نام را مانند دام در راه آزادی در زندگی ساده ما میگردانند باید بهادتگر که خنثار با بدست آشیای از دست بی لایام حافظ و نگهبان نام بر نواز آریان هسانا کرده بودند و بصدق گواه عاشق صادق در آستین باشد که اکنون هم آبادی بنام آریان تقریباً در هشتاد کیلومتر سمت غربی شهر سبز در وجود دارد اگر نویسنده قبلا از اطلاع کوک بر خشته کوهستان مطلع میبود بنسبانهت معروضه تا نشا میشود که آن روزنامه دلیر بر بنام آریان به منتشر شود تا اسرموسی کاملا درست و با کفایت مطابق واقع باشد.

نگرانیها و ناهای وارد

ازسندج

آقای جم‌العین وتولی منویس :
واقعا انتشار نامه کوهستان قاب قوم کرد
و پاک وانکار آبهارا برارانشه کردار
اشخاص بانك ومهرشی مردان صالح و جوی
در خدمت شاه و مبین که همیشه شیوه و
خهار آنها بوده است آماده نموده .

ازروانسر

نگرانان رضای آتابان مجید بابا
یرمی - مسند معدودی - قادر معددی
دوسیده میگویند : تا کنون راجع باسترداد
اموال و اغانام و احشام کشاورزان روانسر
از اشرار و لایچی اقدامی بعمل نیامده
چاپه اقدام فوری مدول نگرند از فرط
استیصال بنگاه عراق ستواری و وطن
هرز را وداع خواهیم گفت

ازسقر

آقای ستوان ۱ حساسی تلنگرانها
از انتشار نامه کوهستان اظهار حسرت
نمودند .

اززاهدان

آقای رکنی ضمن نامه‌ای منویس :
طالع نامه گرمای کوهستان را از افق
مطبوعات کشور که با طرزی دلپیشه و
جالب توجه و بانگارفات سودمند آغاز
فرموده اید از بسبب قلت شاه نشانی مرض
گرفته موقوفیت نویسنده گران و مسیحین
پیدایش آرا را در گرگانه ایزد متعال
خواستارم .

ازروانسر

آقای اسیر حسن رشیده اردلان
تلنگرانان از انتشار نامه کوهستان اظهار
خوشروفتی کرده اند .

متعسر بهت نگران است که دو نفرشان
سفیرانه به موضوع به آقای مصباحی
چهارشنبه دستار اطلاع داده شد که اموال توفلی
پایان شود آقای مصباحی بمنزل متوفلی
مراجعه ولی بطریق از او شنیدن صورت و
رسیدگی بهدرائی تصرف شده تاکنون
چندین بار دادخواست های خود را بوسیله
پست شهری بنیادسرا ایجاب اولوارسیدیگی
شده اند .

ازبوکان

آقای محمد امین ایلخانی زاده ضمن
اظهاری سرت و تبریک از انتشار نامه
کوهستان منویس :
ایندووان ۵ و ۶ ملت از ایران از انتشار
روز نامه مزبور بر حس وطن پرستی و
دولت خواهی خود افزوده انتشار درند
بیش از پیش خدمات شایانی بنگاه پاک و
ملت نجیب ایران بنیادند .

ازسقر

آقای شیرالنجار طاهری روداریان
از طرف اهالی سقر تلنگرانی مخابره
نموده بوسیله نامه کوهستان از توجه
اولیای امور بانگنه طی نامه ۶۵۴۸ -
۱۳۱۲/۲۴ مدت یکسال از اخبار دشواریان
ناخیه سقر منظر نظر کرده اند اظهار امتنان و
میانگساری نموده اند .

ازمهاباد

آقای ا . ش حسن تحت عنوان
درد برشما چه بری ما فرستاده اند
چون اضاغ نداشت از درج آن دوداری
شد آقایان اگر مایل باشند مقاله ای که
ارسال میفرمایند دوج شود باید اسم
خود را در ذیل آن فرموده دارند . اگر
چنانچه بخواهند ناشان باغضار چاپ شود
با اصل ذکر از اسم نویسنده نشود
میوانند بنویسند و نامم تقاضای ایشان را
انجام دهیم .

ازسندج

تلنگرانی رضای حسن اجده و سعید
ناصری رسیده اظهار میدارند که بند از
ظفر روز ۱۹ فروردین قوی ناصرعی حساسی
بدون جرمی گمانتی فوت نموده دارائی او در
حدود یکسکه و بیست هزار تومان و وراثت
شده .

کوهستان - متعاسفم از اینکه
اغاب نامه ها و تلنگرانیهای که میرسد
شکایت است از کارمندان و ادارات دولتی
و نامه اظهار امتنان از اینکه فلان
مامور خوب انجام وظیفه نموده گذر
میرسد . ظلم و جور بیشتر بر طبق ضمیمه
روا میشود و بیشتر این بیچارگانند که
دستمزد هری روزی هوس و نامحاسب مأمورین
واقع میگردد .
ما دوستانه بکلیه کارمندان دولتی
و موبه مناطق کردنشین توصیه میکنیم که
تیمه سابق و با خاسته داده بفرموده از راه
قانونی و مقررات البتة آن تا و بفرموده
که زمان خوب منایش را تمهیه کرده
رقار نیابند .

بهری است دوسور تیکه تیر رویه
داده نموده و با مردم خوب رفتار نکنند
ناگردد در هر مقامی که باشند مورد تعقیب
قرار خواهیم داد .
باز گریب مقدمه انتظار داریم دادسرای
منتج بیرونده مورد شکایت فوق متصفانه
رسیدگی کند .

ازروانسر

شامرشا که فتلش رعیتی است از
روانسر تلنگرانها شکایت میکند که راهبای
سالار تاج مادیان را برده از راه قهر
بانبیه مرادیه میکنند . بدت است که صاحب
ده بار پس اینیه دارد کسی بهرشن گوش
ندیده .

از خوانندگان محترم
تقاضا میشود هر گونه اتادی
راجع به ندرجات نامه کوهستان
دارند بسا بنویسند ما با
کمال میل استادات و بسا
پیشنهادات خوانندگان را
مورد توجه قرار میدهیم
آنبه واقفایل قبول باشد
بدرتفرقه آنبه را که اجرائیش
مندور نباشد باز کتفه
باسخ خواهیم داد .

شکایات خود را

بوسیله نامه کوهستان

بسمع اولیای دولت

برسانید *

دو هفته در همان ساعت که هراس نبین کرده بود در چالوتیه قرار
گرفت . صاحب میخانه ایله ایدامه زبانی از بیه های کوچک معل
پایانه پشاش و بوهای زلزله برای نماهای حرکت مسافران در جلو
میخانه ها حاضر شده بودند . در این وقت از افاضیل در میان ناهای بی نظام
کشت .
او با هیچکس حرف نیزد و خود را نسبت به هیچ و همه کسی
براعتنا نشان میداده . یکی از بیه ها رو بدیگری کرده گفت : او هم وقتدی
زندان بود . مانند همان کسی که امروز بدیه روزی دستهای او
و افسر بیست بسته بودند . دیگری سوال کرد : پس چگونه توانسته است از
زندان فرار کند ؟

- شاید مانتو درب فرار را بر روی گشوده است .
ایده یان بیه جواب داد : هاید سرایان بسبب صدای خوش او
وارها کرده اند .
یکی از بیه ها که صورت رنگ بریده ای داشت از آن میان
گفت : من را فانیل را بسیار دوست میدارم . وقتیکه من مریض بودم او
بهمیرا مواظبت میدود . وقتن من سرم درد میدید روزی دستهای او
کسی در اطراف من بلند حرف زدند . بیه دیگر گفت بر عکس من را فانیل
و دوست ندارم زیرا بسیار هراسناست .

سیس بود هر کس که کرده بالهن تنهی گفت : ژا کومو چند
مرتبه باید یک حرف را بشنا تکرار کرد ؟ بهاطر داشته باشید که اگر
مطابق میل ما رفتار نکنید باید دو آخسر منتشر امام خوبی باشید .
ژا کومو از این حرف تکانی خورده باعجله بیجا بی بیارنه شفاقت هراس
از اطان بیرون رفته بطرف سیاط میخانه ها روانه شد .
هنوز چند قسمی رفته بود که زانیل را در برابر خود مشاهده
کرده جوان اینیایان به هراس فریدک شده زیر پا گفت : هریت نکند
هراس نکاهی با صعب و جیرت سربایان زانیل ایکنند . دو سخت او
هرگز منتظر چنین اظهاری از طرف این خورده نبود و در همان لحظه
میخواست علت این دستور و نصیحت را از زانیل بپرسد ولی چون بسا
صیله از نظر او دور شده بود چیزی نگفت .

هراس بجای اینکه اطان مانش رفته او را تنها نگارد شروع
مطم زدن دو سیاط مسافر خانه نموده و در اتعاض تصمیم قطعی فکسر
میکرد .
ژا کومو که از گوشه چشم ناظر حایات او بود تردید و دودلی
هراس را در قیافه اش حس کرده سیس بالهن تسخر آمیزی گفت : آ تا محرت
آ تا هنوز عقیده غار را تغییر نداده اند ؟ هراس با صدای متکبران جواب
داد : من هرگز از تصمیم خود پرتنهام گشتم . همه چیز باید در هر ش
دقیقه حاضر آماده باشد .

کوهستان

جواب ستاد ارتش

پایه از منعه اول

هوشمند افشار به مسائل به بندگ، بالا بگریه به پیرا، ه و راحت میشنود، الا این طری عمل و طرح مفید نیست. شاید این طرح بحال مرتب هوشمند افشار که بهخواهد مردم و امر خوب خود کند، مفید باشد ولی برای مردم، مضر است.

سربازان و ناگور که تا کنون کوچکترین انتقادی روح داده، در صورتی که در همان تاریخ که نامه صادر شده، ۱۰ فروردین ۱۰، نامه کوهستان طرح چند انتقادی ناگوار و قتل و غارت را در طرح درج کرده ایم.

چنین اظهار صریح ستاد ارتش را که از خلایق واقع است چه چیز می توان حمل نمود؟

آیا باید صورت گرفته گزشتن های از حقیقت ستاد ارتش داده اند یا باید گفت ستاد ارتش شواسته است از جناده عقابانت متصرف خود در هر حال چنین طعنی برای برده پوشش مهربانتر نامه لشکرگردستان از ستاد ارتش انتظار نبرفت.

ملت ایران همانطور که از عهدیات و عهد و پیمانها بهره ای افسران خودخواه و خودسرانند و منتظر است مهربان نیک صبران باشد که ما تقصیر می یابیم ما اینها را که هر قدری انجام دهد سپیده و غیر قابل انتزاع است. آنچه را خوب است خوب میدانیم و آنچه را بد است و خلاف نتیجه میکند مهربان بروی فرماده لشکرگردستان از خودسری گفته غیر قابل تحمل است و صریحا می گویم خودداری ستاد ارتش از تحقیق و رسیدگی و احتیاط حق سالدین کردستان را سخت افسرده نموده است.

مردم کردستان انتظارات دیگری از دولت مرکزی دارند انتظار دارند وضع مقام از آنها بشود، انتظار دارند از دست مأمورین خائن و ماجراجو - لاس شوند انتظار دارند دولت آنها توجه مخصوص داشته باشد و ماب این چند ساله که در آن صفت وجود آورده اند و رفع خود انتظار دارند بهر نشان گوش بدهند و ترتیب اثر داده شود.

اکراد از شاه و دولت و مجلس این توقع و انتظار را ندارند که قدرات آنان را دستخوش بوی و هوس یک یا چند نفر قرار دهد.

پس است هر چه نظام و جور ناجیل در کردستان دهه پس است اینهمه برادر کسی که تا بحال راه انداخته اند مردم یک کتاب و طاعت ادامه این وضع وقت بار وانه از نه فریاد مردم از ظلم و جور مأمورین از ماجراجویی و باورش سازی و بی احترامی آنان با مسان رسیده خوب است قدری بنه و از گوشها بیرون آورده و با بر باد و اسفانه این ملت رنج دیده و محنت شیده رسیدگی کنند. اینان اهل این مملکت زاینده این آب و خاکند و در این کشور حق حیات دارند.

آقای ابراهیم نادری مدیر نامه کوهستان در ایام و شاه آباد فرج میباشند.

نگارهای مختصر ما از سفر

حسن اعلی سرهنگ سارمی فرماده تپ جدید ستر باغت امپواری نوم، مراسم و اوت کردیم. آذربایجان رئیس فرهنگ اردستان هدایای بازرسی، و دیش شاپس رئیس در مانگده سیاهالی را ۹ آموزش تئوری از توجه وزارتین فرهنگ پردهاری عدم سیاستدار فعلا در سفر مشغول بازرسی و بازدید میباشند

تیمورزاده

خبرچین

آقای ع خبرچین نامه را که مرسوم داشته بودند رسید نظر اصلاح طلبان اسرارک را و تندیس بینشیم اگر مطالبات و اصلاحات مندیگیری هم داشته باشد بنویسید شاید به کتک و هراسهای جوانان روشن فکر موفق شویم دست ناپاکان کوتاه کرده قدم در راه اصلاح برداریم.

هوا

از ستاد آقای رحیم فکری تلگرافا شکایت میکنند که دخترش مستوره نام به به پدری مراجعه در نتیجه ترزق تلف شده تقاضای رسیدگی دارد. در بعضی موارد اتفاق یا مندرجه درین برای بسیار اتفاق ناگوار رخ دهد این تقصیر طبیب نیست ولی گاهی هم اتفاق است و نتیجه عدم توجه انتقادی بیانشه بهی است بیایان گفت بهداری سنج خود نباشی داشته و نتوانست گفت این نشیه ه باید بدون رسیدگی خاتمه پذیرد. انتظار ما از بهداری سنج این است واقعا با مسائل کمی هم گفتند که در اختیار دارد من کند وقت بیشتری

شکایات

آقای محمد سعید سعید پور تلگرافا مهابره و شکایت نموده که پانچوداینگه دو هفتک قریه گر گزاره و وف مچبه و چهار دایک آن وف اولاد ذکور است آقای عبدالرشید واده سالست بازمه قریب ۳۰ نفر مروفه ما هیوم و افره هم نموده در ادعای تصرف عدوانی طبق حکم شماره ۶۶ دادگده عالی استیناف محکوم به بر حلی هم دادخواست ماهیت دعوی داده و پرونده به شماره ۲۰۹۷۰ در دادگا. استیناف در جریان است بر اثر نشیت بفرماندهای آقای ابراهیم اهر بر خلاف قانون و بدون توجه با حکم محاکم صالحه و تنگناباداد گشتی وسیله زاهد امر میز خدمت بیست گان و افرام نموده است.

در صورتیکه اظهارات آقای سعید پور صعیب باشد و موضوع مربوط به دادگشتی باشد البته دفات فرماندار خارج از حدود مقررات بوده وظیفه دادگشتی است که اعتراض نماید اما و ابع بدخلات زانه امری گمان نبود بدون موز قانونی در این قبیل مسائل دفات کرده باشد. بهر حال انتظار ما از روسا ادارات و مقامات مختلفه دولتی دستنجات است که فقط با موری که مربوط با آن است رسیدگی نموده و از دخالت دو کارهای که از حدود وظایف آنان خارج است خودداری نمایند.

بسیار آید در این موضوع هم البته باید رسیدگی شود تا اگر در نتیجه غفلت چندین انتقادی افتاده مسبب تعقیب گردد

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر اسمعیل اردلان

بهای اشترک سالانه ۳۰۰ ریال

تک شماره ۴ ریال

مقالات وارده مسترد نشود و اداره روزنامه در دوح

با حاک و اصلاح آنها آزاد است

محل اداره: خیابان بهلولی کاشی شماره ۱۵۲۴

تلفن شماره ۸۵۳۹

ساعات مراجعه هر روز صبح باستانی ایام تعطیل

از ساعت ۹ تا ۱۲ میباشند